

درباره ذبیح‌الله منصوری

سید مهدی علایی حسینی

جناب آقای دکتر خزاعی‌فر، با سلام، در شماره چهل و هفتم (بهار و تابستان ۸۷) آن مجله در صفحه ۸۰ مطلبی به قلم آقای اسماعیل حدادیان مقدم با عنوان «شبه ترجمه- های ذبیح‌الله منصوری» به چاپ رسیده است که در آن نویسنده با استناد به نظریات چندتن از نویسندگان اروپائی، آثار ترجمه شده توسط شادروان ذبیح‌الله منصوری را «شبه ترجمه»



ذبیح‌الله منصوری

به حساب آورده و طبق تعریف همان آقایان از مساله شبه ترجمه، مرحوم منصوری را به «تقلب ادبی» و «انجام نوعی فن آمیخته با کلک» متهم کرده است.

درباره اعتقاد و ایمان و ارادت نویسنده مقاله به اظهارنظرهای اروپائیان، با توجه به آزادی بیان، ایرادی نمی‌توان گرفت، اما اینکه مترجم بی‌ادعا و تلاشگری مثل ذبیح‌الله منصوری را که عمری با اخلاص به فرهنگ این مملکت خدمت کرده است، فقط به صرف چند نقل قول، در زمره اشخاص متقلب و کلک باز به حساب بیاوریم، جای حرف بسیار است.

درباره مقاله آقای حدادیان مقدم نیز لازم است نکاتی را به اطلاع برساند:

۱- مرحوم ذبیح‌الله منصوری متولد سال ۱۲۸۸ شمسی است نه ۱۳۲۱. نخستین ترجمه چاپ شده وی در سال ۱۳۰۷ شمسی با عنوان «محبوس سنت هلن» نوشته اوکتا اوبری فرانسوی منتشر شده است.

۲- تعداد آثار ترجمه و اقتباس مرحوم منصوری طی ۶۰ سال قلمزنی اگر به ۱۲۰۰ عنوان نرسد، اما چیزی در همین حدود می‌تواند باشد. نقل قول آقای ایرج افشار مبنی بر تعداد این آثار به ۱۲۰ عنوان، مربوط است به آثاری که در کتاب «فهرست کتابهای چاپی فارسی» مرحوم خان‌بابا مشار آمده و بطوری که اطلاع دارید، در کتاب مذکور عناوین آثاری مندرج است که تا سال ۱۳۴۰ شمسی به چاپ رسیده، ضمن اینکه کتاب مذکور

حاوی تمام عناوین کتابهای چاپ شده تا سال ۱۳۴۰ به طور کامل نیست (آقای ایرج افشار به این موضوع اشاره کرده‌اند).

ضمناً آقای اسماعیل جمشیدی به اتفاق چندتن از همکاران خود، آثار مرحوم ذبیح الله منصوری را تا ۸۵۰ عنوان شناسایی کرده‌اند که این موضوع در کتاب «دیدار با ذبیح الله منصوری» مندرج است.

۳- آثار مرحوم منصوری کتابهایی است در زمینه رمانهای تاریخی، سیاسی، اجتماعی و یا شرح حالها و زندگی بزرگان. ضمن اینکه وی برای اولین بار بعضی آثار مورس مترلینگ نویسنده و فیلسوف بلژیکی را به فارسی ترجمه کرده است (آثاری مثل: زنبور عسل، مورچگان، موریانه‌ها و ...). تمام این آثار اگر ترجمه، اقتباس، ترجمه آزاد و یا بقولی «شبه ترجمه» باشد، کتابهایی است خواندنی، لذت بخش، روان و ساده و بدون هرگونه بدآموزی و انحراف. وی در دورانی که سرانه مطالعه سالانه ایرانیان را فقط چند دقیقه برآورد می‌کنند، توانسته است با آثار خود مردم را به کتابخوانی و مطالعه تشویق و ترغیب کند و این بزرگترین خدمت این مرد بی‌ادعا به فرهنگ این کشور است و بهتر است در باب آثار وی و رمز علاقه عامه مردم به این آثار بررسی دقیق‌تری بعمل آید و نیز همانطور که جناب عالی قبلاً در مقاله‌ای اشاره کرده‌اید «ذبیح الله منصوری پدیده به معنی واقعی غیرعادی یا منحصر به فرد نیست، بلکه واقعیتهای فرهنگی است قابل درک و قابل تحلیل که عوامل معینی در ایجاد و رشد آن دخیل بوده‌اند».

امیدوارم مجله مترجم که پیشرو مسائل ترجمه در ایران است، چنین بحثی را به معرض نقد و شناخت و ارزیابی و داوری بگذارد تا از این رهگذر سایه روشنهای خدمات مردی که بیش از ۶۰ سال به فرهنگ این مملکت خدمت کرده است، آشکار گردد. □